

این شرحی نهایت

هر کس روزی ای دارد که حتما به او خواهد رسید. پس هر کس به آن راضی شود، برایش پُربرت خواهد شد و او را بس خواهد بود. حضرت محمد(ص)

تب عشق

عشقت آتش زجان برانگیزد
رستخیز از جهان برانگیزد
باد سودا بگذرد بر دل
زمه ریز از رون برانگیزد
خیل عشقت به جان فرود آید
سیل خون از میان برانگیزد
تاقیامت غلام آن عشقم
که قیامت ز جان برانگیزد
از پروم زبانه فروبندد
وز درونم فغان برانگیزد
تب نهانی است از غم تو مرا
لرز از استخوان برانگیزد
ناله پیدا از آن کنم که غمت
تب عشق از نهان برانگیزد
شحنه وصل کو که هجران را
از سرم یک زمان برانگیزد
هجر بر سر موکل است مرا
از سرم گرد از آن برانگیزد
آه خاقانی از تف عشقت
آتش از آسمان برانگیزد
چون حدیثی کند دل از دهند
باد آتش فشان برانگیزد
خاقانی شروانی

تقویم تاریخ

رخداد

تصرف و بران شدن شهر شوش به دست آشوریان و به دستور آشور بانیپال (۶۹۳ پیش از میلاد)
نمایش عمومی نخستین فیلم ناطق جهان با عنوان نگهبان گیش در ایالات متحده آمریکا و شهر نیویورک (۱۹۲۳ میلادی)
خروج آخرین سرباز فرانسوی از سوریه و استقلال این کشور بعد از ۲۶ سال تحت الحماگی (۱۹۴۶ میلادی)
شکست حمله نظامی آمریکا به کوبا موسوم به نبرد خلیج خوکها (۱۹۶۱ میلادی)
شکل گیری نگلادش توسط شیخ مجیب‌الرحمان (۱۹۷۱ میلادی)

طلوع

نیکیتا خروشف- دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۴ میلادی، نخست‌وزیر این کشور از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴ میلادی (۱۸۹۴ میلادی)
سیریمو پندار ایاکه- سیاستمدار سریلانکایی، نخست‌وزیر این کشور (۱۹۱۶ میلادی)
ایرچ قادری- کارگردان، فیلمنامه‌نویس و بازیگر سرشناس سینمای ایران، خالق آثاری چون: برخی‌ها، تاراج، می‌خواهم زنده بمانم (۱۳۱۳ خورشیدی)

غروب

بنجامین فرانکلین- از پدران و بنیانگذاران ایالات متحده آمریکا، دانشمند، نویسنده، ناشر، روزنامه‌نگار، سیاستمدار، از چهره‌های بزرگ دروشنگری آمریکا (۱۷۹۰ میلادی)
ژان باتیست پرن- فیزیکیان فرانسوی، برنده جایزه نوبل فیزیک سال ۱۹۲۶ برای پژوهش روی ناپیوستگی در ساختار ماده و کشف تعادل رسوب گذاری (۱۹۴۲ میلادی)
هنریک کارل پیتر دام- زیست‌شناس و شیمی‌دان دانمارکی، برنده جایزه نوبل پزشکی ۱۹۴۳ میلادی برای کشف ویتامین کا (۱۹۶۴ میلادی)

قاب کوچک



ولیم هولدن (راست)، در صحنه‌ای از فیلم «این گر و دشمن»، ساخته سام پکینیا - ۱۹۶۹ میلادی | ۹۹ سال پیش، برابر با هفدهم آوریل ۱۹۱۸ میلادی، ویلیام هولدن، هنرپیشه مشهور آمریکایی در شهر اوفاون ایالت ایلینوی به دنیا آمد. هولدن پس از بازگشت از جنگ جهانی دوم یکی از مهم‌ترین نقش‌های خود را در فیلم «سان ست بلوار» بازی کرد و در سال ۱۹۵۸ «باز داشتگاه شماره ۱۷» ساخته بیلی وایلدر، برنده جایزه اسکار شد.

پیشخوان

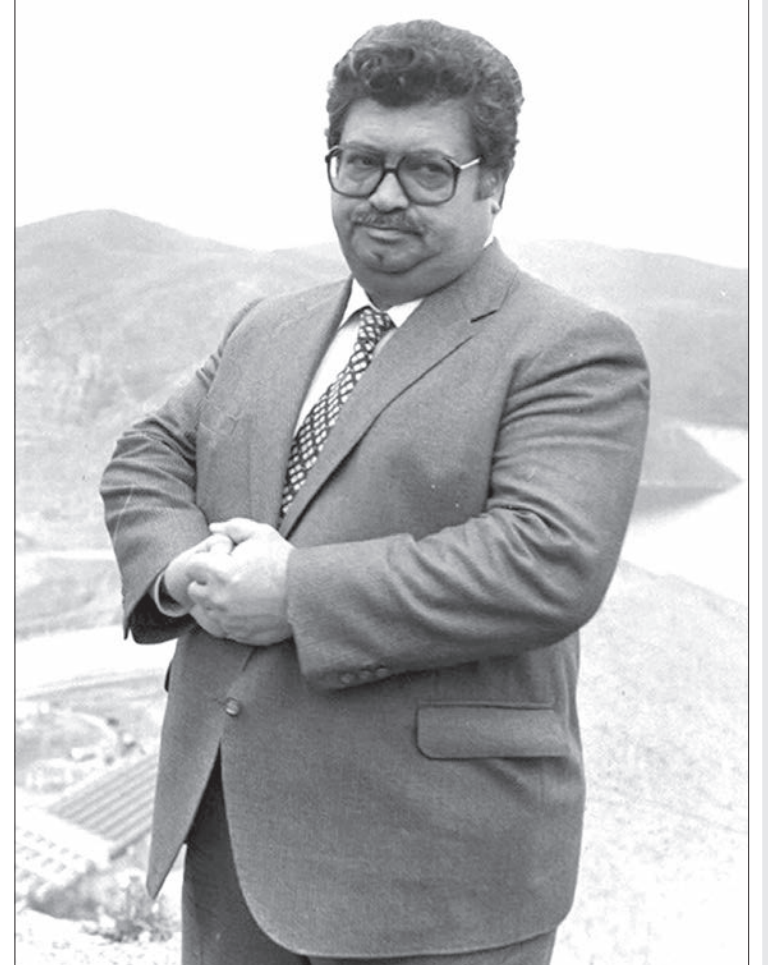
بالزن‌ها
محمدرضا کاتب از جمله نویسندگان سرشناس معاصر ایران است. البته بیشتر حرف‌های های این حوزه یعنی ادبیات داستانی او را می‌شناسند چون خواندن آثارش نیاز به دقت دارد. سبک کاتب در واقع طوری نیست که هر خواننده‌ای بتواند با آثارش ارتباط برقرار کند. او حالا رمانی با نشر هیلا منتشر کرده به نام «بالزن‌ها» کاتب در رمان خود داستانی دختر دخترا روایت می‌کند که به نام مردی عجیب و غیر قابل پیش بینی به نام تردست می‌افتد. تردست برای رسیدن به آرزوهایش از هیچ کاری روی گردان نیست. او به دنبال موجودی غریب و خاص به نام بالزن است و به همین دلیل هم مجبور است دختر را به سوی قتلگاه برود تا از چیزی مطمئن شود. این رمان به گفته نویسنده آن کار فقط برای این که بهانه‌ای برای سفرهایمان و فرامان از دست بی‌معنایی و مرگ و... داشته باشیم نوشته شده است. نویسنده همچنین در این باره می‌گوید: «هیچ معلوم نشد چطور آخرش مجبور شدیم به روی خودمان بیاییم که این جهان با زیبایی از تصورات و نگاه ما هستند و فقط در ذهن ماست که جهان به این صورت وجود دارد و اگر ما یک موجود دیگر بودیم و با ابزارهای شناختمان یک چیز دیگر بود یا حتی روش شناختمان یک روش دیگر بود، حتما درک و فهممان از این جهان طور دیگری بود و جهان‌مان یک شکل دیگر داشت.»

کتاب پس کوچه
ابراهیم رها ملزن نویسی، بین اهالی مطبوعات و علاقه‌مندان آثار طنز نامی شناخته شده است. «چقدر خوبییم ما» که کمتر از یک سال ۱۶ هزار نسخه به فروش رفت. «دنی روی» با تیراژ ۱۰ هزار نسخه به چاپ دوم رسید. او حالا تازه‌ترین کتابش را به چاپ رسانده فرهنگ لغتی طنز به نام «کتاب پس کوچه». ابتدای کتاب با «آ» و لغت «آب» شروع شده و با حرف «ی» و «یاشکی» به اتمام رسیده است. در این کتاب حدود ۳۵۰ کلمه و واژه به طنز تعریف شده‌اند. نویسنده به فراخور مطلب گاهی از حکایات و ضرب‌المثل‌های عامیانه نیز برای تعریف لغات استفاده کرده است. به عنوان مثال درباره واژه «یلدا»، در این کتاب آمده است: «شب یلدا داستان خودش را دارد. باید بی‌مزه‌ترین و مزخرف‌ترین هندوانه‌ها را خرید و برید و خورد معلوم نیست چرا. در شب یلدا باید حکما آواز خورد حتی اگر می‌فروشی های محترم از یک هفته مانده به یلدا قیمت آواز را دو برابر کرده باشند و هر دانه یاقوت هم قیمت همان یاقوت در یلدا به شش یلدا باید اجیل خرید و خورد و انقدر افراط کرد که دل درد گرفت باز قیقه معلوم نیست چرا. آگاهان گفته‌اند در شب یلدا باید به مهمانی رفت و سر میز غذا خورد آخه کرد.» کتاب پس کوچه» از سوی انتشارات فرهنگ معاصر منتشر و روانه بازار شده است.

حرف روز
شگفت انگیز است این دنیای سیاست؛ دنیایی که در آن به یک بساره رنگ عوض می‌شود. دنیای فرهنگ اینگونه نیست؛ یعنی در آن، تا این اندازه، به سرعت و به آسانی نمی‌شود از این رو به آن رو شد. فرهنگ از بنیاد با نوعی استواری و پایداری در پیوند است و کسانی هم که دل به آن می‌بندند کمتر اهل زد و بند و چهره عوض کردن می‌شوند. سیاست اما چیز دیگری است؛ دنیای پیوندهای زودگذر و سخن‌های باب روز است، و این که امروز یک جور باشی و فردا جوری دیگر. گرچه گویا این جور‌و‌ا‌جور شدن‌ها، به نوعی در طبیعت ما انسان‌هاست و در همه جا مثلا همان دنیای فرهنگ هم هست اما در دنیای سیاست نمود و فراوانی بیشتری دارد.

فوکوس

۲۴ سال پیش، برابر با هفدهم آوریل ۱۹۹۳ میلادی، خلیل تورکوت اوژال، هشتمین رئیس‌جمهوری کشور ترکیه، در پی حمله قلبی درگذشت. اوژال، پس از عدنان مندرس و سلیمان دمیرل، سومین رهبر انتخاب شده به صورت دموکراتیک در تاریخ ترکیه بود. دلیل مرگ اوژال سکنه قلبی است. اما بعد از آرایش‌های سم‌شناسی از پیگرد او خود ۴ روز بعد ادیواکتوریا در بدش تایید کرد.



مهدی بهلولی
آموزگار

دنیای شگفت انگیز سیاست

دولتی که هر سال، نصفی از افزایش حقوق سالانه و قانونی کارکنان دولت، با رفتاری کاملا خودسرانه و سلیقه‌ای از بین رفت و هیچ انتقاد و اعتراضی از یکی از کارگزاران آن برنخاستند و حالا به یک باره شندهند هوا دار حقوق من کارمند که چسرا حقوقم پایین است و دولت یازدهم هم توجهی به آن نمی‌کند. و چرا مثلا آموزش کار دارد ماهانه یک و نیم میلیون تومان حقوق می‌گیرد و به انتقادهای اعتراض‌های آنان رسیدگی نمی‌شود - تو گویی در دولت دهم، هیچ حتی از آموزگاران پیمان نشد و همه انتقادهای آنان، پاسخی منطقی و عملی گرفت! یک بار، در دولت دهم، مدیر مدرسه ما آمد و گفت هر دانش آموز سال اول دبیرستانی که در خرداد یک تجدیدی بیباور حق انتخاب رشته‌های ریاضی و تجربی را ندارد. چند روز بعد مدیر دیگری هم همین حرف را زد و از نشسست توجیهی مدیران دبیرستان در اداره خبر داد که از آنان خواسته‌اند در هدایت تحصیلی سال آینده، این سیاست را عملی کنند. من رفتم با یکی از خیرگزاری‌ها گفت‌وگو کردم و گفتیم که ایسن کار با منطق

دعوت

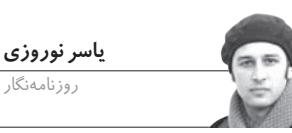
شما بنویسید
ما منتشر می‌کنیم
صفحه آخر «شهرود» در راستای سیاست‌های کلان روزنامه میبسی بر مشارکت هرچه ملموس‌تر مخاطبان در روند تهیه محتوا و برقراری یک ارتباط دو سویه میان رسانه و مخاطب، طرح دعوت مخاطبان برای اشتراک گذاشتن «تجربیات شخصی در حیطه زیست اجتماعی» را به‌کار می‌گیرد. این طرح در نخستین گام خود ذیل محورهای چون زندگی اجتماعی، فعالیت‌های مدنی، آداب معاشرت جمعی و... با طرح موضوعاتی مشخص، مخاطبان روزنامه را به مکتوب کردن تجربیات عینی خود دعوت می‌کند. در حقیقت صفحه آخر روزنامه شهرود تصمیم دارد با اختصاص فضایی مشخص جهت انتشار این مکتوبات، از جایگاه متمم و حده فاصله گرفته و زمینه اشتراک عملی مخاطبان در روند تولید محتوا را آسانتر ببخشد. صفحه آخر «شهرود» حق خود را برای حک و اصلاح مطالب رسیده محفوظ می‌داند. مخاطبان به شرط خدمت‌رسانی آرزش‌های عرفی و شرعی حاکم بر جامعه، در طرح دیدگاه‌های خود- هرچند با سلاقی دست‌اندرکاران روزنامه در تضاد باشد- آزاد هستند. در آینده مطالب منتخب و چاپ شده، توسط روزنامه شهرود در قالب یک کتاب منتشر خواهد شد.

چهارمین دعوت:
سوانح طبیعی و غیر طبیعی!
در پی پایان مهلت سومین دعوت صفحه آخر روزنامه شهرود (با موضوع خاطرات سفر)، در چهارمین دعوت از شما مخاطبان همیشگی صفحه آخر می‌خواهیم خاطره، نکته، داستان و یا هر آنچه که در مواجهه با سوانح طبیعی و غیر طبیعی مثل سیل، زلزله، آتش سوزی، تصادفات جاده‌ای و... تجربه کرده‌اید و می‌فکر می‌کنید برای مخاطبان روزنامه آموزنده، جالب‌خواندنی است، بنویسید و بفرستید تا در همین صفحه ان را نام خودتان منتشر کنیم. علاقه‌مندان به مشارکت می‌بایست متنی خود (بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ کلمه) را به صورت تایپ شده به آدرس ایمیل صفحه آخر ارسال کنند. مطالب دریافتی در صورت تأیید محتوایی با درج نام نویسنده منتشر شده و پدیده است اولویت انتشار با مطالبی خواهد بود که زودتر دریافت شوند. safhehkh@shahrvand-newspaper.ir

روایت

هیچ جاسف خود آدم نمی‌شه!

می‌دادم. مدیر مالی می‌آمد حقوق‌مان را برت می‌کرد جلومان. مسئول آن نشریه الان خودش جزو یکی از مسئولان است. گاهی حرف‌هایش را در خیرگزاری‌های خیرانه از مردم خدمت به جوان‌ها، خدمت به پیرها، خدمت به نابالغ‌ها و خدمت به بچه‌قنداقی‌ها کلا عاشق خدمت است و اگر صفی برای خدمت به مردم درست شود می‌دود جلوس؛ مخصوصا اگر صف ثبت نام در مجلس یا نمایندگی شوراها باشد! اما من شرم این است یابد همه صف‌ها را دوست داشت و ایستاد توی آن! چون «صف» شتری است که بالاخره می‌خواند. هر چند گاهی جلور در توالی‌های عمومی. آنجا همه پشت هم صف می‌کشند و هیچ‌کس به روی دیگری نمی‌آورد که چقدر برای وصال به کابین مربوطه بی‌قراری است. ایثار هم در صف مبالغه ندارد. هر کس می‌داند آن تو، دیگر به کسانی که آن پشت با چشم‌های وق‌زده



یاسر نوروزی
روزنامه‌نگار